

## بررسی وضعیت گرایش جوانان به کتاب و کتابخوانی



از مجموعه نشست‌های فرهنگی - تحقیقاتی مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مشکلات آنها تا حدودی حل می‌شود. زیربنای توسعه فرهنگی به میزان زیادی به مطالعه کتاب بستگی دارد. اخیراً بسیاری از پژوهشگران در بررسی شاخصهای توسعه میزان کتابخوانی را شاخص توسعه تلقی می‌کنند. ما در جامعه خود باید وضع موجود را بشناسیم و میزان گرایش افراد به کتابخوانی را بدانیم. سپس مسائل و مشکلات و تنگناها را شناسایی کنیم و راهکار ارائه بدهیم. عادت به مطالعه را نمی‌توانیم در بزرگسالی در افراد ایجاد کنیم. علت این که بیشتر مطالعات روی کودکان و نوجوانان صورت می‌گیرد این است که از دوران کودکی باید فرهنگ و عادت مطالعه در افراد شکل بگیرد. من در تحلیل خود، با توجه به این که تحقیق ما رسانه‌ای بود، به میزان زیادی نقش رادیو و تلویزیون را در اشاعه و توسعه کتابخوانی در نظر گرفته‌ام. در گزارش اول، وضعیت کتابخوانی در میان دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان در سه منطقه ۷، ۸ و ۹ تهران بررسی شد. ۲۲ درصد از پاسخگوها پسر و ۵۷ درصد دختر در

اولین تحقیق «وضعیت کتابخوانی در میان دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان» نام دارد و دومین به «نظر سنجی از مردم تهران درباره کتابخوانی» پرداخته است. سومین تحقیق از مجموعه تحقیقات «مینه‌یابی تولید و عرضه محصولات فرهنگی است» که نخستین تحقیق آن درباره کتاب بوده و در سال ۷۸ انجام شده است. پس از این مقدمه باید عرض کنم قطعاً خندان هم مستخفربود که رشد و تعالی بشر در گرو دانش و آموخته‌هایی است که کسب می‌کند. این آموخته‌ها از نسلی به نسل دیگر و بین ملت‌ها از طریق ارتباط متقابل، منتقل می‌شود و راحت‌ترین و بهترین و آسانترین آن هم همین ارتباط متقابل است. کتاب بهترین وسیله دستیابی به دانش و علم دیگران است. مطالعات توسعه اقتصادی - اجتماعی جوامع بدون توسعه فرهنگی میسر نیست و باید آموخته‌های بسیاری از مسائل و مشکلات ناشی از همین توسعه نیافتگی فرهنگی است. اگر دولتها به این توسعه فرهنگی توجه کنند،

در یکی از مجموعه نشستهای کتاب و کتابخوانی مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی که با حضور احمد مسجدجامعی قائم مقام وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از کارشناسان در محل این مرکز برگزار شد، دکتر شهلا کاظمی پور کزازی از چند تحقیق درباره کتابخوانی را که در مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران انجام شده است، ارائه کرد. وی گزارشی خود را این گونه آغاز کرد: در واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات صدا و سیما در عرض شش سال اخیر، حدود پانصد کار تحقیقی در زمینه فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی انجام شده است. در زمینه کتابخوانی هم هفت هشت تحقیق انجام شده است که من سه تحقیق را انتخاب کرده‌ام چون از نظر زمانی تا حدودی نزدیکتر به زمان حال بود. چکیده‌ای از یافته‌های این سه تحقیق را که در آن واحد و زیر نظر من انجام شده است، ارائه می‌کنم.

گروه سنی ۱۱ تا ۱۹ سال بودند. از گروه نمونه برسیه شده است که آیا شما غیر از کتابهای درسی مطالعه دارید یا نه؟ ۸۹ درصد پاسخ مثبت داده‌اند. سپس درباره مطالعه روزانه سؤال شد که آیا شما روزانه مطالعه می‌کنید؟ از بین آن ۸۹ درصد، ۲۸ درصد پاسخ داده‌اند که روزانه مطالعه می‌کنند. بقیه پاسخگوه‌ا، مطالعه روزانه و مستمری نداشته‌اند. درباره ساعت مطالعه از آنها سؤال کردیم. بین ۱ تا ۴ ساعت متغیر بوده که درصدها کم است. ولی بیشتر آنها پاسخ داده‌اند. که به وقت آزادشان بسگی دارد. سؤال دیگری که مطرح کرده بودیم آن بود که در چه سنی و در چه مقطع زمانی با کتاب آشنا شدید؟ سؤال را باز گذاشته بودیم و بعد آن را دسته‌بندی کردیم. حدود ۴ درصد افراد پاسخ داده‌اند که بین ۳ تا ۶ سالگی، این نکته بسیار مهمی است. ۲۸ درصد گفته‌اند که بین ۸ تا ۱۷ سالگی، ۱۳ درصد بین ۱۰ تا ۱۰ سالگی، ۸۱ درصد ۱۱ سالگی به بالا. ۲۵ درصد هم پاسخ داده‌اند که به یاد نمی‌آورند.

از آنها سؤال کردیم که در طی سال گذشته یعنی سال ۱۳۹۶ (این تحقیق در اواخر سال ۱۳۹۶ اجرا شد) چند عنوان کتاب مطالعه کردید؟ ۵۲ درصد آنها پاسخ داده‌اند که فقط بین ۱ تا ۳ عنوان کتاب مطالعه کرده‌اند. البته این ۵۲ درصد جزء همان ۸۹ درصد هستند که پاسخ داده‌اند کتاب غیردرسی مطالعه می‌کنند. بقیه آنها یعنی ۱۰ درصد بین ۴ تا ۶ عنوان کتاب در ۷ تا ۱۰ عنوان کتاب مطالعه کرده بودند؛ یعنی اگر میانگین بگیریم، در یک سال، پاسخگوه‌ا حدود ۳ عنوان کتاب مطالعه کرده‌اند. خواستیم تعداد کتاب ملاک نباشد. فکر کردیم بعضی‌ها ممکن است کتاب داستان کم حجم و بعضی‌ها کتابهای فکوری خوانده باشند. به همین دلیل درباره تعداد صفحات کتاب هم سؤال کردیم. در طی یک سال ۱۷ درصد بین ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ صفحه کتاب و ۱۲ درصد بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ صفحه کتاب خوانده‌اند. ۲۷ درصد هم اظهار نظری نکرده‌اند. البته معلوم نیست که آیا این ۲۷ درصد کتابی خوانده‌اند یا نه، سپس از آنها سؤال کردیم که زمینه مطالعه شما چیست؟ ۳۳ درصد پاسخ داده‌اند که بیشتر کتاب می‌خوانند. ۳۱ درصد گفته‌اند روزانه و ۲۲ درصد جمله می‌خوانند و ۱۵ درصد نیز هر سه مورد یعنی روزانه، کتاب و جمله مطالعه می‌کنند. از آنان درباره عنوان روزنامه‌هایی که می‌خوانند سؤال کردیم. بنا به ضرورت آن روز مثلاً از روزنامه‌های همشهری، کیهان و اطلاعات بیشتر نام برده شده است.

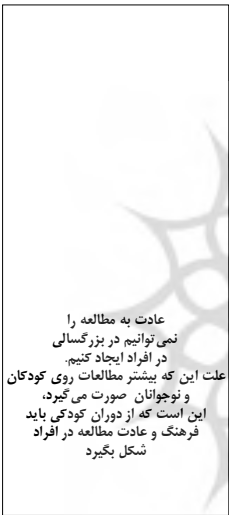
سؤال بعدی درباره عنوان بود. در اینجا باید این نکته را مطرح کنیم که ما علاوه بر گرایش جوانان و نوجوانان به کتاب موضوع را هم مد نظر داشتیم و برای ما مهم بود که بدانیم پاسخگوه‌ا به چه موضوعی از کتابها بیشتر علاقه دارند. ۲۴ درصد آنها بیشتر به مطالعه کتابهای داستانی علاقه

داشتند و ۱۹ درصد کتابهای جایی و پلیسی، ۱۵ درصد کتابهای علمی، ۱۲ درصد کتابهای تاریخی، ۱۱ درصد شعر، ۸ درصد کتابهای دینی و بقیه هم سایر زمینه‌ها از جمله کتابهای سیاسی، ادبی و فلسفی را ترجیح می‌دادند؛ یعنی در این سن می‌بینیم که بچه‌ها کتابهای داستان، پلیسی و جایی را دوست دارند. ضمن سؤالی از بچه‌ها پرسیدیم که چرا مطالعه می‌کنند؟ اکثر یعنی ۲۶ درصد پاسخ داده‌اند که برای افزایش معلومات کتاب می‌خوانیم. ۲۳ درصد به خاطر علاقه و ۱۷ درصد نیز به خاطر گذران اوقات فراغت مطالعه می‌کنند. کتاب خواندن با هدف انجام کارهای تحقیقی و به توصیه خانواده درصد کمتری دارد.

معمولاً عوامل و انگیزه‌های مختلفی افراد را به سوی کتاب خواندن سوق می‌دهد. از بچه‌ها سؤال کردیم که چه کسی شما را به خواندن کتاب تشویق کرده و انگیزه کتابخوانی را در شما ایجاد کرده است. ۲۹ درصد پدر و مادر و ۱۵ درصد آشنایی با افراد اهل مطالعه را ذکر کرده‌اند. به نظر من این نکته برای پیشنهادهایی که ما بعد ارائه می‌کنیم بسیار مهم است. نقش پدر و مادر در ایجاد علاقه به کتابخوانی بسیار تعیین‌کننده است. ما درباره سواد و تحصیلات پدر و مادر پرسیدیم و آن را با میزان کتابخوانی پاسخگوه‌ا تقاطع دادیم. قطعاً زمینه‌های مطالعه برای آنهايي که والدینشان یا سوادتر هستند، بیشتر فراهم است. ۱۲ درصد نیز با هدیه گرفتن کتاب به مطالعه علاقه‌مند شده‌اند. نکته قابل توجه آن است که ما می‌توانیم به جای جایزه‌های مختلف به بچه‌ها کتاب هدیه کنیم. ۱۱ درصد با رفتن به نمایشگاه و ۸ درصد نیز از طریق معرفی کتاب در تلویزیون به کتابخوانی علاقه‌مند شده‌اند.

درباره نحوه تهیه کتاب سؤال کردیم. ۳۰ درصد پاسخ داده‌اند که کتاب را می‌خرند. ۱۸ درصد گفته‌اند که از کتابخانه شخصی خود یا خانواده استفاده می‌کنند. ۱۶ درصد نیز از دوستان خود امانت می‌گیرند. ۱۴ درصد از کتابخانه مدرسه و ۱۴ درصد هم از طریق دریافت هدیه از دوستان خود کتاب تهیه می‌کنند. سپس این سؤال را مطرح کردیم که شما موضوع کتاب را چگونه انتخاب می‌کنید؟ ۳۷ درصد گفته‌اند که با توجه به سؤالی که برای آنها پیش می‌آید. در واقع می‌توان گفت که انتخاب آنها با انگیزه بوده است. ۲۳ درصد هم با توصیه دیگران موضوع کتاب را انتخاب می‌کنند. ۲۲ درصد به صورت اتفاقی و ۱۸ درصد هم پاسخ داده‌اند که با نظر خواهی از افراد اهل مطالعه، موضوع کتاب را انتخاب می‌کنند.

نکته دیگری که معمولاً مطرح می‌شود آن است که برخی از افراد حتی بعضی از بزرگترها هم بخشی از کتاب را می‌خوانند و بعد آن را کنار می‌گذارند و تا پایان نمی‌خوانند.



موضوع کتاب علاقه آنها را جلب نمی‌کند یا اینکه حوصله مطالعه ندارند. از آنها سؤال کردیم که آیا کتاب را تا پایان می‌خوانید یا نه؟ ۵۷ درصد پاسخ داده‌اند که همیشه تا آخر کتاب را می‌خوانند. ۱۵ درصد گفته‌اند اغلب کتاب را به پایان می‌رسانند و ۱۱ درصد نیز پاسخ داده‌اند که بعضی وقتها کتاب را تمام می‌کنند و چند درصد هم گفته‌اند هیچ وقت تا آخر کتاب را به اتمام نمی‌رسانند.

درباره مشکلات مطالعه از آنها سؤال کردیم. ۲۵ درصد گفته‌اند که وقت برای مطالعه ندارند. در واقع می‌توان گفت که انجام تکالیف آموزشی و پرورش فردی برای بچه‌ها نمی‌گذارد که مطالعه کنند. ۲۰ درصد گرانی کتاب را مطرح کرده‌اند و ۱۰ درصد نیز از در دسترس نداشتن کتاب گفته‌اند که به بحث گرانی ارتباط پیدا می‌کند. ۹ درصد نبودن کتاب مناسب در بازار را مطرح کرده‌اند. البته باید گفت تا حدی کم لطفی کرده‌اند که می‌گویند کتاب مناسب در بازار نیست که ما بخوانیم. اگر کسی اهل مطالعه باشد کتاب مورد علاقه‌اش



نظر سنجی دومی که من خلاصه آن را خدمت شما عرض می‌کنم در آبان ۷۵ در میان مردم تهران و درباره کتابخوانی به طور اعم صورت گرفته است. جامعه آماری همه سطوح یعنی از بیسواد تا تحصیلات عالی را به قرار ذیل شامل می‌شود: ۱۰ درصد: بیسواد، ۱۶ درصد: دوره ابتدایی، ۱۵ درصد: راهنمایی، ۵۰ درصد: متوسطه و ۹ درصد: تحصیلات عالی.

البته در آخرین گزارش که کامل تر است فقط افراد دبیرم و بالاتر به سؤال پاسخ دادند. درباره کتابخوانی به طور اعم از همه آحاد جامعه سؤال کرده‌ایم.

نخستین سؤال این بود که اوقات فراغت را چگونه می‌گذرانید؟ این پرسش متداولی است. در تحقیق مفصلتری پرشننامه تنظیم شده‌ای به هزار نفر داده شد تا یک ربع به یک ربع بنویسند که چه کاری می‌کنند. نتیجه این کار بسیار خوب بود و به صورت نمودار هم آن را ارائه کردیم و با مقیاس بین‌المللی هم قابل قیاس بود. نتایج به دست آمده نشان داد

گرفزارهای زندگی و ۱۱ درصد: تفریح، ۱۱ درصد هم نداشتن علاقه و موارد دیگر را علل مطالعه نکردن خود ذکر کرده‌اند. آخرین نکته‌ای که در این تحقیق سؤال شد، پیشنهادها

بود که به نظر من خیلی مفید است از جوانان و نوجوانان سؤال کردیم که پیشنهاد شما برای افزایش میزان مطالعه و کتابخوانی در میان نوجوانان چیست؟ آنان پیشنهاد کردند که نمایشگاههای کتاب برگزار و کتاب نیز با قیمت ارزان عرضه شود. این نکته‌ای است که حدود ۳۴ درصد از بچه‌ها پیشنهاد کردند. ۱۵ درصد تشویق مردم به مطالعه را مفید دانستند که چگونگی آن مسئله‌ای است که در جمع‌بندی نهایی خدمت شما عرض خواهم کرد. پیشنهادهای بعدی به ترتیب عبارت بود از: ۱۴ درصد: افزایش کتابخانه‌ها، ۱۳ درصد: هدیه کردن کتاب به مردم، ۱۰ درصد: آموزش شیوه‌های مطالعه، ۹ درصد: آموزش فرهنگ صحیح مطالعه. تقریباً همه پیشنهادها جنبه آموزشی دارد. اینها مواردی است که پاسخگوها برای اشاعه و توسعه کتابخوانی پیشنهاد کرده‌اند.

را پیدا می‌کنند. ۸ درصد نوری از کتابخانه یا کتابفروشی را مطرح کرده‌اند و ۳ درصد نیز گفته‌اند که جایی برای مطالعه ندارند.

سؤال کرده‌ایم که دوستان و نزدیکان شما را تا چه اندازه اهل مطالعه می‌دانند؟ پاسخها بدین قرار بود: ۱۱ درصد: خیلی زیاد، ۱۸ درصد: زیاد، ۴۸ درصد: در حد متوسط، ۲۳ درصد: کم، ۴ درصد: خیلی کم. اگر میانگین بگیریم، دوستانشان را در حد متوسط اهل مطالعه می‌دانند.

با توجه به اینکه والدین در ایجاد عادت به مطالعه و کتابخوانی در بچه‌ها مؤثر هستند، از آنان پرسیدیم که پدر و مادر شما چقدر کتاب می‌خوانند؟ پاسخها بدین قرار بود: ۲۵ درصد: همیشه، ۵۵ درصد: گاهی، ۲۰ درصد: اصلاً.

سؤال کردیم که چند درصد مطالعه می‌کنند؟ گفته‌اند: ۸۹ درصد، ولی می‌دانیم که این نتیجه ناخوشایندی است. ۸۹ درصد، ولی می‌دانیم که این نتیجه ناخوشایندی است. ۱۳ درصد

که طی روز بیشترین میزان اشتغال افراد بین ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح است.

هنگامی که فقط از آنها درباره گذراندن اوقات فراغت سؤال کردیم، ۲۳ درصد گفتند که تلویزیون تماشا می‌کنند. ۱۱ درصد پاسخ دادند که با اعضای خانواده صحبت می‌کنند. ۱۱ درصد به دیدن اقوام می‌روند. ۱۱ درصد استراحت می‌کنند. فقط ۱۰ درصد از کل جامعه آماری گفته‌اند که مطالعه می‌کنند.

مشاهده تلویزیون را با سطح سواد تقاطع دادیم. ۲۲ درصد بیسوادند و ۱۶ درصد تحصیلات عالی‌تر دارند یعنی میزان اقبال بیسوادها و کم سوادها به تلویزیون بیشتر است. هر چه افراد کم سوادتر هستند بیشتر تمایل دارند بشنوند تا بخوانند. در واقع، عادت به خواندن ندارند. اما میزان مطالعه در بین تحصیلکرده‌ها با افزایش سطح تحصیلات بیشتر می‌شود.

دربارهٔ آسامی روزنامه‌ها سؤال کردیم و این که چه مدت روزنامه می‌خوانید. سپس پرسیدیم که چند درصد کتابهای غیردرسی مطالعه می‌کنید. پاسخ دادند ۱ تا ۵ درصد که خیلی کم است. ۶۲درصد گفتند که خیلی کم مطالعه می‌کنند. در واقع خوششان اذعان کردند که خیلی کم مطالعه می‌کنند و ۲۲ درصد هم کم مطالعه می‌کنند یعنی اگر مجموع ۶۲ و ۲۲ را محاسبه کنیم، ۸۴ درصد از جامعه پاسخگوی ما خوششان به مسرات اعلام کرده‌اند که میزان مطالعه‌شان کم است .

دربارهٔ ملاک‌های انتخاب کتاب نیز ۱۶۵ درصد موضوع کتاب را مطرح کرده‌اند. ۱۸ درصد گفته‌اند که با توصیه دوستان و اقوام کتاب انتخاب می‌کنند و ۱۵ درصد هم پاسخ داده‌اند که نام نویسنده برایشان مهم است.

از پاسخگوها دربارهٔ کتابهای مورد علاقه آنها سؤال کردیم. این بار نیز کتابهای داستانی در صدر قرار گرفت: ۲۴ درصد؛ کتابهای علمی، ۱۶ درصد؛ کتابهای تاریخی، ۱۵ درصد؛ کتابهای علمی، دینی، روانشناسی، ادبی، اجتماعی، هنری و غیره که تا ۴ درصد می‌رسد.

بررسی بعدی دربارهٔ مکان مطالعه بود. از آفلن سؤال کردیم که بیشتر در کجا مطالعه می‌کنید؟ ۸۷ درصد پاسخ دادند که منزل. ۶ درصد نیز در محل کار و ۵ درصد هم در کتابخانه‌های عمومی مطالعه می‌کنند.

از آنان پرسیدیم که آیا عضو کتابخانه هستید یا نه؟ فقط ۲۶ درصد پاسخ دادند که عضو کتابخانه هستند و ۷۴ درصد نیز عضو کتابخانه نبودند. ۲۵ درصد گفتند که کتابهایی را که مطالعه می‌کنند، البته از آن ۱۰ درصد که کتابخوان بودند، ۴۵ درصد گفته‌اند که کتاب را می‌خرند. ۴۰ درصد کتاب را از دوستان و ۱۵ درصد هم از کتابخانه‌ها امانت می‌گیرند.

دربارهٔ نحوه آشنا شدن با کتابها، ۴۶ درصد از طریق

دوستان و آشنایان و ۲۱ درصد از طریق کانفروشیها و ۱۵ درصد هم با مطالعه و تحقیق با کتاب آشنا شده‌اند.

از پاسخگوها سؤال کردیم که چرا کتاب نمی‌خوانید؟ ۳۱درصد از آنان نداشتن وقت را مطرح کرده‌اند. البته از هر کس که می‌پرسیم که چرا کتاب نمی‌خوانید؟ بیشتر می‌گویند که وقت نداریم. گرفتاریهای زندگی با نوع شغل و دو با چند شغل داشتن را نیز مطرح می‌کنند. ۲۱ درصد از باین بوین سطح سواد و ۲۰ درصد هم از نداشتن حوصله و علاقه می‌گویند؛ و به نظر من نداشتن حوصله و علاقه است که سبب می‌شود افراد بگویند وقت ندارند. اگر کسی علاقه داشته باشد، مطالعه را در صدر همه کارها قرار می‌دهد.

بار دیگر سؤالی از زبان سوم شخص مطرح کردیم که به نظر شما چند درصد از مردم اهل مطالعه هستند؟ ۱۱ درصد گفته‌اند که خیلی کم، ۹ درصد پاسخ داده‌اند که بین ۱۰ تا ۱۵ درصد، ۲۶ درصد گفته‌اند که بین ۲۰ تا ۲۵ درصد و فقط ۸ درصد معتقد بودند که بیش از ۷۰ درصد از مردم مطالعه می‌کنند. در نتیجه می‌توان گفت که به اعتقاد پاسخگوهای ما، میزان مطالعه مردم در حد کم و خیلی کم است. از پاسخگوها پرسیدیم که به نظر شما علل پایین بودن میزان مطالعه چیست؟ یعنی به طور کلی چرا مردم کم مطالعه می‌کنند؟ اولین عامل را کران بونن کتاب دانسته‌اند. ۲۶ درصد گفته‌اند که چون کتاب گران است، مردم مطالعه نمی‌کنند. اگر کتاب را ارزان بدهیم، همه کتاب می‌خوانند. ۲۵ درصد پاسخ داده‌اند که چون سطح سواد و فرهنگ مردم پایین است کتاب نمی‌خوانند. ایان تقریباً درست گفته‌اند. ۸ درصد هم کمبود کتاب را مطرح کرده‌اند که می‌توان گفت همان نظریه کران بونن و در دسترس نبودن کتاب است. ۷ درصد هم گفته‌اند که وقت ندارند و آخرین مورد تأریسانی در توزیع کتاب بوده است.

بعد سؤال کردیم که پیشنهاد شما برای افزایش سطح کتابخوانی چیست؟ ۳۷ درصد گفته‌اند که تبلیغات را زیاد کنید. حالا ما چگونه تبلیغات را زیاد کنیم که مردم کتابخوان بشوند، این هم یک مسئله است. ۲۲ درصد معتقد بوده‌اند که کتاب باید ارزان شود. ۱۷ درصد پیشنهاد کرده‌اند که کتابهای جذاب بیشتر عرضه شود. ۱۱ درصد نیز ایجاد آراش فکری را مطرح کرده‌اند. به نظر من این پیشنهاد آخر خیلی مهم است؛ یعنی تا انسان آراشی فکری نداشته باشد و از امنیت اقتصادی و اجتماعی برخوردار نباشد هر قدر هم بخواهد مطالعه کند تمرکز فکر پیدا نمی‌کند.

آخرین تحقیقی که خدمت شما ارائه می‌کنم، زمینه‌یابی تولید و عرضهٔ محصولات فرهنگی است که سال گذشته انجام شده است. اولین محصول فرهنگی که بررسی شد، کتاب بود. بعد ویدئو و بعد تلویزیون. جامعهٔ آماری فقط شامل افراد دارای دیلم و تحصیلات عالی است. جامعهٔ نمونهٔ ۶۶۶

**نقش پدر و مادر**  
**در ایجاد علاقه به کتابخوانی**  
**بسیار تعیین کننده است.**  
**ما دربارهٔ سواد و تحصیلات پدر و مادر**  
**پرسیدیم و آن را با میزان**  
**کتابخوانی پاسخگوها تقاطع دادیم.**  
**قطعا زمینه های مطالعه برای**  
**آنهايي که والدیشان با سوادتر هستند،**  
**بیشتر فراهم است**

**عادت به کتابخوانی در جامعه ما**  
**بسیار ضعیف است.**  
**اگر بخواهند درجه توسعه یافتگی**  
**جامعه ما را از طریق میزان مطالعه**  
**حساب کنند، احتمالاً کشور ما**  
**در رده‌های آخر قرار می گیرد**

نفر از افراد ۱۷ سال به بالا و با تحصیلات دیلم و بالاتر در شهر تهران را شامل می‌شود.

از این افراد سؤال کردیم که شما در اوقات فراغت خود چه کار می‌کنید؟ و اولویت را در نظر گرفتیم، ۶۴ درصد در اولویت اول گفتند که ما در اوقات فراغت تلویزیون تماشا می‌کنیم. ۱۰ درصد به رادیو گوش می‌دهند، ۹ تا ۹ درصد روزنامه یا مجله می‌خوانند. ۶/۳ درصد به گردش می‌روند. فقط ۶ درصد گفته‌اند که در اوقات فراغت کتاب می‌خوانند و بعد هم توصیه‌های دیگر را مطرح کرده‌اند. ۶ درصد تلویزیون را در اولویت دوم قرار داده‌اند که حتماً آنهایی هستند که کتاب می‌خوانند یا به رادیو گوش می‌کنند یا به گردش می‌روند. هیچ یک از افراد رادیو را اولویت دوم نام نبرده‌اند. ۲۳ درصد روزنامه و مجله و ۱۱ درصد گردش و ۲۰ درصد کتاب. حاصل جمع این دو نتیجه یعنی ۶ درصد و ۲۰ درصد را به دست آوردیم و تحلیل کردیم که این ۲۶ درصد از افراد دیلم به بالا در اولویت اول و دوم در اوقات فراغتشان به طور معمول به مطالعه



کتاب می‌پردازند.

سؤال دیگری که پرسیدم و من در این تحلیل هم به آن اشاره کردم که افراد معمولاً به دلایل مختلف از جمله تنگای مالی و محدودیت مکانی - زمانی نمی‌توانند دربارهٔ گذراندن اوقات فراغت خود تصمیم بگیرند. به فرض شما به خانه می‌روید کاری نمی‌توانید بکنید، تلویزیون را روشن می‌کنید و به تماشای آن می‌نشینید. ما سؤال کردیم که اگر امکانات برای شما فراهم باشد، دوست دارید در اوقات فراغت چکار بکنید؟ آمار افرادی که تلویزیون تماشا می‌کردند از ۷۰ درصد به ۴۴ درصد کاهش یافت. من به این نتیجه رسیدم که تماشای تلویزیون توسط این افراد ارادی نیست، بلکه به صورت انفعالی است. اگر به خواست افراد باشد ۴۴ درصد می‌شود. در عوض، گردش کردن که در مرحله قبل ۱۷ درصد بود به ۳۰ درصد افزایش می‌یابد. این افراد اگر پول و امکانات داشته باشند بیشتر ترجیح می‌دهند در اوقات فراغتشان گردش کنند و به سفر بروند. میزان مطالعه کتاب از ۲۶ درصد به ۲۴ درصد کاهش یافته که تفاوت چندانی نکرده است.

تقریباً می‌توان گفت که در مرحله اول هم فرد به انتخاب خودش کتاب می‌خواند است و در مرحله دوم هم اگر امکانات برایش فراهم باشد او کتاب را انتخاب می‌کند. مطالعه روزانه و مجله که در مرحله قبل ۳۰ درصد بوده به ۱۸ درصد و رادیو هم از ۱۰ درصد به ۶ درصد کاهش یافته است که نشان می‌دهد که بعضی از فعالیت‌های فراغتی به انتخاب خود افراد است. تنها عاملی که تفاوت زیادی نکرده کتاب خواندن است که در هر دو شرایط ۳۰ درصد جامعه تحصیل کرده را به سوی خود کشانده است. از پاستیکوها پرسیدم که شما چه مواقعی مطالعه می‌کنید؟ ۱۴ درصد پاسخ دادند که همیشه، یعنی از جامعه تحصیل کرده ما ۱۴ درصد به ادعای خودشان همیشه کتاب می‌خوانند. ۱۸ درصد گفته‌اند که بیشتر اوقات ۱۳ درصد پاسخ دادند که گاهی، ۱۴ درصد به ندرت اوقات کتاب می‌خوانند و ۲۰ درصد نیز هیچ وقت مطالعه نمی‌کنند. دربارهٔ محل مطالعه، ۸۴ درصد گفته‌اند که در منزل ۴ درصد در کتابخانه، ۴/۵ درصد نیز در محل کار مطالعه می‌کنند.

دربارهٔ نوع کتابی که مطالعه می‌کنند سؤال کردیم. در اینجا نیز مسئله مهم این است که هنوز ۴۳ درصد جامعه تحصیل کرده ما در اولین اولویت کتاب‌های داستانی می‌خوانند. ۲۳ درصد کتاب‌های تخصصی - علمی، ۲۴ درصد کتاب‌های مذهبی و ادبی و ۱۴ درصد کتاب‌های تاریخی مطالعه می‌کنند. درصدها به دلیل نوع کتاب از صد تجاوز می‌کند. سؤال کردیم که چرا مطالعه نمی‌کنند؟ ۵۲ درصد گفته‌اند که وقت کافی برای مطالعه ندارند. ۱۶ درصد پاسخ دادند که خستگی ناشی از کار باعث می‌شود که نتوانند کتاب بخوانند. ۱۳ درصد گفته‌اند که انگیزه ندارند. ۶ درصد هزینه بالای کتاب خریدن را مطرح کرده‌اند. ۶ درصد گفته‌اند که تماشای تلویزیون را بر خواندن کتاب ترجیح می‌دهند و ۲ درصد هم معتقد بودند که کتاب‌های مناسبی وجود ندارد. در جمع بندی نهایی نتایج این سه گزارشی که خدمت شما ارائه کردم، مشاهده می‌کنید که اولاً سطح و میزان کتابخوانی هم در میان جمعیت جوان ما که تقریباً نوجوانان و جوانان دورهٔ راهنمایی و دبیرستان کل جامعه ساکن شهر

تهران را شامل می‌شود و هم در گزارش سوم که جمعیت تحصیلکرده و دیپلم به بالای ما بود، پایین است. حتی وقتی از آنهایی که گفته‌اند کتاب می‌خوانند، سوال کردیم که چقدر کتاب می‌خوانند؟ ۲۰ درصد از جامعه تحصیلکرده گفته‌اند که هیچ وقت کتاب نمی‌خوانند. ۱۴ درصد پاسخ داده‌اند که به ندرت. ۳۳ درصد گفته‌اند که گاهی از اوقات کتاب می‌خوانند. ۱۹ درصد بیشتر اوقات و تنها ۱۴ درصد از پاسخگوها گفته‌اند که همیشه کتاب می‌خوانند. البته با توجه به اینکه تعداد زیادی از پاسخگوها (حدود ۲۳ درصد) دانشجوی بوده‌اند، دو رقم آخر احتمالاً باید متناسب به آنها باشد؛ یعنی می‌توان گفت آنهایی که پاسخ داده‌اند: ما بیشتر اوقات کتاب می‌خوانیم، دانشجوی هستند و به اجبار، به خاطر یادگیری بهتر دروس خود کتاب می‌خوانند. بنابراین، می‌توان گفت که در بین جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران، ۱۵ درصد اصلاً کتاب نمی‌خوانند. حدود ۲۷ درصد نیز به ندرت و گاهی کتاب می‌خوانند و فقط ۲۳ درصد به کتابخوانی عادت دارند.

محل مطالعه کتاب در اکثر موارد منزل و پس از آن محل کار و کتابخانه بوده است. انگیزه مطالعه ۷۰ درصد از کتابخوانها افزایش معلومات، ۱۴ درصد برای یادگیری مطالب درسی، ۶ درصد برای کسب آگاهی درباره اجتماع و جهان و ۴ درصد برای سرگرمی است. اینکه به جمع‌بندی نهایی می‌پردازیم، این ارقام نشان می‌دهد که هنوز نزدیک به نیمی از افراد کتابخوان جامعه ما کتابهای داستان و رمان می‌خوانند که جنبه آموزشی و فرهنگی آن نسبت به کتب علمی محدودتر است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در بین جمعیت با سواد و تحصیلکرده جامعه ما، در بزرگترین و پیشرفته‌ترین شهر کشور، فقط ۲۳ درصد کتابخوان وجود دارد که از این گروه حدود ۱۳ درصد عادت به کتابخوانی دارند. در بین این عده نیز بالغ بر ۶۰ درصد کتابهای داستان، رمان، شعر، ادبیات یا شرح حال بزرگان را می‌خوانند و تنها کمتر از نیمی از آنها کتابهای علمی و تخصصی مطالعه می‌کنند که در بین آنها عده زیادی دانشجویان حضور دارند.

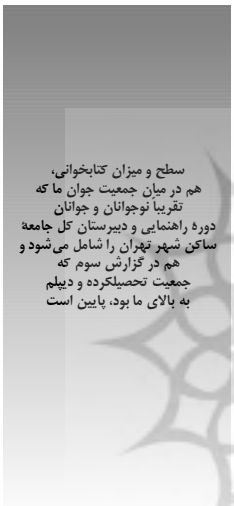
در نتیجه، عادت به کتابخوانی در جامعه ما بسیار ضعیف است. اگر بخواهیم درجه توسعه یافتگی جامعه ما را از طریق میزان مطالعه حساب کنند، احتمالاً کشور ما در رده‌های آخر قرار می‌گیرد. در ابتدای عرايضم گفتیم که امروزه دیگر شاخص توسعه یافتگی را درآمد سرانه یا میزان اشتغال به کار یا با سواد در نظر نمی‌گیرند. در بسیاری از کشورها میزان کتابخوانی را ملاک قرار می‌دهند. من فکر می‌کنم که در آینده نزدیک دیگر کتابخوانی و روزنامه خوانی ملاک نباشد، بلکه خواندن کتابهای علمی و تخصصی ملاک قرار می‌گیرد. حالا هم با توسعه و تحولی که اینترنت دارد باید ببینیم که چگونه می‌توانیم از دانش غیر مکتوب به نحو احسن استفاده کنیم. عادت به مطالعه را باید به نحو دیگری

دگرگون کنیم. کتابخوانی را در بزرگسالی نمی‌توان ایجاد کرد و باید از دوران کودکی و نوجوانی عادت به مطالعه را در افراد ایجاد کنیم. این رسالتی است که به عهده وزارت ارشاد و سایر مسئولان فرهنگی جامعه است. آموزش و پرورش در زمینه ایجاد عادت به مطالعه تا به حال نتوانسته است مؤثر واقع بشود. ما بارها با مسئولان آموزش و پرورش صحبت کردیم؛ ولی موفق نبودیم. مدارس عملاً درگیر کارهای آموزشی هستند و نمی‌توانند به ما کمک کنند و ما باید با به کارگیری شیوه‌های مختلف از دوران نوجوانی کتابخوانی را در بین نوجوانان اشاعه بدهیم.

احمد مسجد جامعی: از فرمایشهای شما بهره بردیم. مسئله امری اکتسابی است. شرایط خانواده بر آن تأثیر می‌گذارد؛ چون کودک از خانواده یاد می‌گیرد. نکته مهم این است که اگر معلم کتابخوان باشد، بر روی شاگرد تأثیر می‌گذارد. اگر پدر و مادر کتابخوان باشند، کودک تأثیر می‌پذیرد. نظام آموزشی هم می‌تواند معلم را کتابخوان بکند و هم دانش‌آموز را. ما می‌توانیم نظامی داشته باشیم که معلم و دانش‌آموز بااجبار کتابخوان باشند. این شیوه در بعضی کشورها هم تجربه شده است و ما می‌توانیم آن را در کشورمان به کار بگیریم. امروزه در بعضی از دوره‌های دانشگاهی هم رایج است که ابتدا جزوه‌ای را توزیع می‌کنند و استاد هفت، هشت سوال مطرح می‌کند و حول محور آن سؤاها بحث می‌شود. در حال حاضر یک دوره مدیریت برگزار می‌شود و دوره بسیار ارزشمندی است. مدیران ارشد نظام این دوره را می‌گذرانند. همه آنان خودشان استاد هستند. با این روش کسی که می‌خواهد در بحث مشارکت داشته باشد، مجبور می‌شود که مطالعه کند؛ و چون مطالعه او منشاء تأثیر است، سعی می‌کند که میزان مطالعه‌اش را افزایش دهد.

حالا شما همین روال را بسط بدهید در محیط ما که اداری هستیم. اگر ما کتاب بخوانیم یا کتاب نخوانیم چه تأثیری در کارایی عملی ما، به لحاظ آن امتیازاتی که برای ما قابل می‌شوند، وجود دارد. بنده در حوزه کار خود چقدر موفقم تحقیقاتی را که در حوزه کتاب و کتابخوانی و کتابخانه است، مطالعه بکنم؛ و اگر مطالعه نکردم، نظام ارزشگذاری تأثیر آن را در چه بخشی از کار من لحاظ می‌کنند؟ اگر ما بخوانیم، می‌توانیم نوعی ارتباط بین شغل، تحصیل و مطالعه برقرار بکنیم.

من با کسی که در نظام پیشرفته‌تری زندگی می‌کند، صحبت می‌کردم. از او سوال کردم که مبنای برقراری این ارتباط چگونه است؟ این مبنای کاملاً بر نظام اداری است. نظام اداری مرا وادار می‌کند که مطالعه کنم. اگر در جریان آخرین داده‌های رشته خودم باشم به طور طبیعی حذف می‌شوم. نظام اداری می‌تواند حذف کند. پس می‌بینید



که این می‌تواند اصل قسبه باشد. صدا و سیما زحمت کشیده و شما را برای مطالعه تشویق کرده است. این موضوع می‌تواند در برگزاری میزگردها و بحثهای جدی مؤثر باشد و به کتابخوانی دامن بزند. در بعضی از نقاط که کتابخوانی گسترش دارد، این میزگردهای کتاب و کتابخوانی با شوق و شور بسیار برگزار می‌شود، و حوزه کتابخوانان و دانشکده‌ها همه متوجه‌اند. در اینها باید انگیزه و علاقه زیاد شود. حالا اگر اینها را کنار هم ببینیم شاید بگوییم کتابخوانی، گسترش کتابخوانی، گسترش دانش و فهم در جامعه ما یک امر ملی است و نیاز به یک عزم ملی دارد و از همان حوزه‌هایی است که بسیار گسترده است؛ یعنی حوزه فرهنگی است که آموزش عالی، آموزش و پرورش، نظام اداری و نظام تبلیغی کشور می‌توانند در این قسبه نقش داشته باشند و با همکاری این امر را به سامان برسانند.



بکنند. در نتیجه اگر یک کتاب رمان را هم فعالیت بخوانند خوب است. کتاب درسی را هم به این دلیل ما تخصصی نمی‌گیریم زیرا خواننده کتاب را می‌خواند که حفظ کند؛ یعنی این مطالعه بی‌ارزنده نیست و فقط قشر مغزش فعال می‌شود. هدف ما این است که فرد با آن موضوعی که می‌خواند درگیر شود. من حتی به دوستان و به دانشجویان پیشنهاد می‌کنم که یک کتاب را از اول تا آخر بخوانند. این شیوه موجب می‌شود که فکر فعال خود را از دست بدهید و انفعالی برخورد کنید. هدفدار مطالعه کنید. فرض کنید یک موضوعی را درباره خانواده انتخاب می‌کنید. به کتابهای مختلف مراجعه کنید و ببینید درباره خانواده چه مطالبی نوشته شده است؛ یعنی هر پاراگرافی را که می‌خوانید به بحث خانواده منتقل می‌کنید و بعد بررسی کنید که آیا کاملاً به مطلب مورد نظر شما ارتباط دارد یا نه.

من: این صحبتی که شما می‌فرمایید در واقع باز هم به رشته تحصیلی برمی‌گردد. هر کسی در همان زمینه

دانشجویان ما یا آلهایی که در کنکور شرکت می‌کنند بیشتر کتابهایی می‌خوانند که در ارتباط با مطالب درسی آنها است و این مد نظر شما نیست. من درست متوجه مطلب شما نشدم یا تناقضی در این صحبت وجود دارد. لطفاً درباره این مطلب توضیح بفرمایید تا من سؤال بعدی را مطرح کنم.

ج: دقیقاً این نکته که من می‌گویم بین این دو است. من می‌خواستم به این نکته اشاره کنم که فرزندان ما خیلی نکته‌ها را به عنوان درس زندگی از کتاب رمان یاد می‌گیرند؛ ولی این رمان خواندن مقداری حالت انفعالی به آنها می‌دهد. به نظر من ۵۰ درصد از بحث کتابخوانی برای این است که آگاهی و معلومات شخصی افزایش یابد و ۵۰ درصد برای پرورش نیروی تفکر و سوادهای معزز است. به نظر من، وقتی فرد در طفولیت نابریزون می‌نشسته خودش را رها می‌کند و به مرور زمان معز او کوچک و نگرش محدود می‌شود.

هدف ما این است که فکر انسانها رشد کند و خودشان در موارد خاص قدرت خلاصه داشته باشند و تصمیم‌گیری

اگر مجموعه صحبت‌های سرکار به یک نظام جامع برنامه‌ریزی تبدیل شود، قدم مهمی است که می‌تواند این تحقیق را کامل بکند؛ یعنی آنجایی که بحث خانواده مطرح می‌شود باید شیوه سیاست‌گذاری ما مشخص باشد. در حوزه نظریه‌پردازی نیز باید بدانی سیاست ما چیست. در اصل کتابخوانی با مطالعه کتابهای داستان و آسان آغاز می‌شود. هیچ کس از اول کتابهای این سبک را نخوانده است. ابتدا کتابهای ساده را مطالعه کرده‌اند، قصه و داستان خوانده‌اند و بعداً زمینه کتابخوانی آنها گسترش پیدا کرده است.

شما باید در ادامه تحقیقات خود مشخص کنید که چه سیاست‌هایی را در حوزه‌های مختلف از جمله خانواده، مدرسه، صدا و سیما، نظام اداری و نظام آموزشی باید به کار بندیم و چه مهندسی باید ببندیم. در واقع از این تحقیق بیشتر می‌توانیم در این زمینه‌ها استفاده بکنیم.

من: شما در گزارش‌تان گفتید که گزارش باید به کتابهای عملی تخصصی باشد. در بخش دیگری فرمودید که

تحصیلی خود مطالعه می‌کند. من فکر می‌کنم که آملی که شما راجع به دانشجویان گفتید از این هم کمتر باشد. بیشتر دانشگاهها به سوی نظامهای متمرکز امتحانی و سؤالی پیش می‌روند و این باعث می‌شود که دانشجویان کمتر از کتاب خواندن استقبال بکنند. شاید اگر فقط تبلیغ شود یا اینکه با آنها صحبت کنند یا استاد به دانشجو بگوید که این کتاب را بخوان کافی نباشد. معلم باید خودش کتابخوان باشد. اما استانی داریم که حتی از چگونگی جستجوی یک موضوع اطلاع ندارند یا از آخرین اطلاعات ارائه شده در اینترنت آگاه نیستند. من فکر می‌کنم که این موضوع باید ریشه‌دارتر بررسی شود. مقاری هم به نظام امتحانی نظام درسی نظام آموزشی برمی‌گردد. کمتر به نظریه دانشجو توجه دارند. کمتر به اینکه دانشجو چه اطلاعاتی دارد توجه می‌کنند و این کم توجهی دلایل مختلف دارد؛ یا خودش اطلاعاتی ندارند یا ممکن است موارد دیگری باشد.

ج: بله این یک دور تسلسل است که وجود دارد. بالاخره استادان ما زمانی دانشجو بودند بچه بودند، کوچک بودند. همین طور سلسله مراتب طی شده است؛ یعنی رعایت به مقاله ندارند. آقای مسجد جامعی اشاره فرمودند. مشکل ما این است که احساس نیاز نمی‌کنیم که چقدر عقب هستیم. ما باید با جهان خارج بیشتر ارتباط داشته باشیم و این بزرگنمایی که در درون برای خود ایجاد کرده‌ایم شکسته بشود. ببینید بازیهای المپیک به نظرم خیلی برای ما مناسب بود. این طرز فکر را که ما هیچ هستیم. در سطح پایین هستیم هنوز عقب هستیم ولی علم در حال پیشرفت است. ما این است که احساس نیاز نمی‌کنیم که چقدر عقب هستیم. ما باید با جهان خارج بیشتر ارتباط داشته باشیم و این بزرگنمایی که در درون برای خود ایجاد کرده‌ایم شکسته بشود. ببینید بازیهای المپیک به نظرم خیلی برای ما مناسب بود. این طرز فکر را که ما هیچ هستیم. در سطح پایین هستیم هنوز عقب هستیم ولی علم در حال پیشرفت است

س: شما وقتی مطالعه را تعریف می‌کنید آیا مطالعه‌ای را هم در نظر می‌گیرید یا فقط کتاب را در نظر می‌گیرید؟

ج: در بعضی موارد تفکیک کردیم و در بعضی موارد تفکیک نکردیم.

س: آیا بهتر نبود که تفکیک می‌شد تا کاملاً مشخصی بشود؛ مخصوصاً وقتی که در سطح شهر تهران تحقیق انجام می‌شود باید مشخص کنیم که هدفه مطالعه مطبوعات است یا کتاب. در حالی یک تناقض عجیب و غریبی در اینجا وجود

داشت که شما فرمودید ۷۰ درصد افراد گفتند ما برای افزایش معلومات کتاب می‌خوانیم. بعد شما به نتایج آماری که نگاه می‌کنید می‌بینید که بیشتر رمان می‌خوانند. خواندن رمان برای افزایش معلومات نیست. برای غرق شدن در دنیایی دیگر است. تمارش خیلی بلژی به چشم می‌خورد و در واقع می‌توان گفت که در اصل تضاد وجود دارد.

ج: آن هم ناشی از نقص فکری و فرهنگی جامعه پاسخگوی ماست.

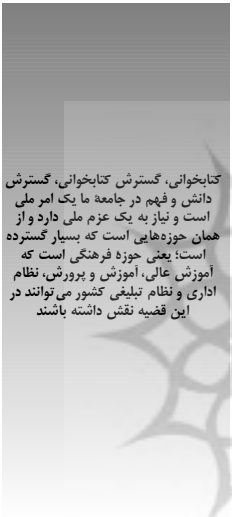
س: من فکر می‌کنم پرسش خیلی دقیق نبوده است؛ یعنی باید برای پاسخ دهنده مشخص می‌شد که آیا واقعاً هدف شما از افزایش معلومات این است که می‌خواهید در زمینه تخصصی خودتان مطالعه بکنید؟ برای مثال اگر از مردم تهران بپرسید که شغل شما چیست به فرض می‌گویند من مهندس مکانیک هستم. سپس بپرسید که آیا مطالعات شما در حوزه مهندسی مکانیک است یا کتاب دیگری می‌خوانید؟ بعضی‌ها رمانهای تاریخی می‌خوانند. رمانهای تاریخی را می‌خوانیم جزء کتابهایی بدانیم که معلومات را افزایش می‌دهد و به هر حال بین بریک رشته ولیمتهای تاریخی است در عین حال سرگرم کننده هم هست. به نظر من این نوع پرسش باید مشخص شود.

ج: شما کاملاً درست می‌گویید. این سؤال چون بسته بود اصلاً به یاد نداشتند که در چند سؤال قبل چه گفته‌اند. وقتی که افراد در پاسخ به آن سردرگم شدند در نتیجه افزایش معلومات بیشترین درصد را یافت.

س: در صورتی که اصلاً درست نیست. برای اینکه طبق آماری که شما داشتید در موردی بیشتر از ۲۴ درصد رمان می‌خوانند. قوم این که جنسیت در کتابخوانی خیلی مهم است؛ یعنی باید مشخص می‌شد که وقتی می‌گویند رمان می‌خوانند خانمها بیشتر رمان می‌خوانند یا آقایان. این نکات البته می‌تواند برای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کلان کردید و فرمودید که آموزش و پرورش نمی‌تواند نقشی جدی داشته باشد. اعتقاد این است که بیش از وزارت ارشاد، آموزش و پرورش می‌تواند نقش داشته باشد.

ج: می‌تواند ولی توانش را ندارد.

س: توانش را دارد ولی برنامه ریزی آن را ندارد. حالا عرض می‌کنم چرا. ببینید شما به نکته‌ای اشاره کردید که خیلی مهم است. کتابخوانی باید حتماً از سنین پیش از دبستان و بعد از دوره دبستان آغاز شود. وقتی معلم خودش کتاب نمی‌خواند. وقتی دبیر دبیرستان کتاب نمی‌خواند. استادش هم به قول شما کتاب نمی‌خواند. البته ناگزیر است گاهی وقتها بخواند. چطور از دانش‌آموز می‌خواهد که کتاب بخواند. اگر معلمی سر کلاس کتابی را معرفی کند. جلسه آینده بین ۲۰ تا ۴۰ درصد دانش‌آموزان در سطح دبستان و



دبیرستان و دانشجویان در سطح دانشگاه آن کتاب را می‌خواند. مطمئن باشید. برای اینکه نفوذی که معلم روی بچه‌ها دارد، نفوذی معنوی و خیلی قوی است. به محض اینکه بگوید من فلان کتاب را خواندم و لذت بردم، بچه‌ها آن را بخوانند. دانش‌آموزان سعی می‌کنند کتاب را بخوانند. در سطح دانشگاه هم همین است. وقتی استاد کتابی را معرفی می‌کند جلسه بعد درباره آن کتاب بحث می‌شود و استاد می‌بیند که حدود ده تا دوازده نفری کتاب را خوانده‌اند. به خصوص اگر در قلمرو ادبیات داستانی باشد که خانمها به طریقی اولی می‌روند و آن را تهیه می‌کنند و می‌خوانند. بنابراین نقش آموزش و پرورش می‌تواند خیلی مهم باشد. اعتقاد این است که اصلاً بزرگ حرکت را به طرف آموزش و پرورش سوق بدهیم و کار را از آنجا شروع کنیم. اگر معلمی می‌خواهد ارتقاء بگوید حتماً باید ۵۰ عنوان کتاب خوانده باشد و این کتابها را به نوعی معرفی کرده و خلاصه‌ای از آنها تهیه کرده باشد. در ضمن از دانش‌آموزان بخواهد که کتابی

**کتابخوانی، گسترش کتابخوانی، گسترش دانش و فهم در جامعه ما یک امر ملی است و نیاز به یک عزم ملی دارد و از همان حوزه‌هایی است که بسیار گسترده است؛ یعنی حوزه فرهنگی است که آموزش عالی، آموزش و پرورش، نظام اداری و نظام تبلیغی کشور می‌توانند در این قسّمیه نقش داشته باشند**





را خلاصه کنند. به اعتقاد من نقش آموزش و پرورش در این قضیه خیلی قویتر است.

مهمترین نکته‌ای که اشاره شد، جنبه اقتصادی کتاب بود. من اصلاً قول ندارم. اقتصاد آن قدر مهم نیست؛ یعنی به آن صورت نقلی ندارم. مردم برای خوردن پیتزا ۵۰۰۰ تومان می‌دهند، ولی حاضر نیستند یک کتاب ۱۵۰۰ تومانی بخرند. برای تغییر این شیوه فکر باید چاره‌ای بیندیشیم.

ج: مسئله نیاز است. جامعه ما اصلاً چنین نیازی را احساس نمی‌کند.

می‌بینید الان در مدارس ما معلم از بچه‌ها سؤال می‌کند که علم بهتر است یا ثروت؟ یعنی در کلاس‌ها نشاء هنوز همین قالبهای خیلی کلیشه‌ای مطرح می‌شود. اما اگر به بچه بگویید، برو آن کتاب را بخوان و بیا برای من نتیجه‌گیری کن بچه‌ها با کتاب آشناتر و مانوس‌تر می‌شوند. من نقش آموزش و پرورش را در قضیه کتابخوانی یعنی ایجاد علاقت به مطالعه بسیار قوی می‌بینم. در ضمن من بهترین کتاب را برای مطالعه، همان می‌دانم یعنی برای مقابله با تصویر، کتاب مخصوصاً همان می‌تواند مؤثر باشد. کتاب همان به اندازه کافی تصویرساز است؛ در حالی که تصویر، محدودکننده ذهن است. وقتی شما به تصویر تلویزیون نگاه می‌کنید یک منظره زیبا به هر حال محدودیت دارد؛ اتفاق آن محدود است. اما در تصویری که مثلاً شما در زن سی ساله اثر بازاک می‌بینید، اصلاً افق دید نامحدود است؛ یعنی شما تا بخواهید می‌توانید یا قوه تخیل خودتان به پیش بروید. بنابراین، اعتقاد من این است که باید خواندن همان را تقویت کرد.

موضوع دیگری که من اشاره کردم، روزنامه خوانی و مطالعه روزنامه بود. در یک مقطع زمانی در ایران و در تهران، دهه روزنامه فروشی‌ها غفله بود؛ یعنی اگر صبح می‌خواستیم یک روزنامه فخریم می‌بایست جنماً بیست متر پایین‌تر ماشنم را متوقف می‌کردم. بعد از تعطیل شدن جمعیت روزنامه‌ها من به آسانی هر لحظه که اراده کنم در مقابل کیوسک روزنامه فروشی می‌ایستم و روزنامه می‌خرم. در نتیجه این عوامل را هم باید لحاظ کرد. مطالعه، مطبوعات، کتاب و وضعیت سیاسی کشور و موقعیتهای خاص باید تفکیک شود. بعضی وقتها شرایط بحرانی و هیجانی است. بادم می‌آید که زمان قبل از انقلاب، بعضی از کتابهای دکتر شریعتی تا ۱۰۰ هزار نسخه فروش رفت. این مقطع زمانی را باید در نظر گرفت و بعد با توجه به این عوامل سیاستگذاری کلان کرد که چه شوهبه‌هایی اتخاذ کنیم که کتاب خوانده شود. چه خلاهایی در زمینه کتاب وجود دارد که آن‌ها را با موضوعات مورد نظر پر شود.

ج: زنان ۲۶ درصد و مردان ۳۱ درصد کتاب داستانی

می‌خوانند. من نتایج به دست آمده درباره زن و مرد را تقاطع دادم، ولی فرصت نشد عرض کنم. میزان مطالعه کتابهای تاریخی در هر دو مسلوبی است. مردان ۲۰ درصد و زنان ۱۲ درصد کتابهای علمی مطالعه می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که مردان بیشتر به تخصص اهمیت می‌دهند. مردان ۱۵ درصد و زنان ۱۲ درصد کتابهای دینی می‌خوانند. مردان ۲ درصد و زنان ۱۳ درصد کتابهای روانشناسی مطالعه می‌کنند. این نکته‌ای است که در تقاطع مطرح است. درباره مطبوعات هم گفتیم که ما حتی در نظر سنجی برای انتخابات برای اینکه بدانیم گرایش سیاسی افراد چیست می‌برسیم؛ شما روزنامه می‌خوانید؟ چه روزنامه‌ای می‌خوانید؟ میزان مطالعه به نحوی از انحاء در تمام گزارشها می‌آید. فقط حالا برای اینکه خستگی دوستان هم رفع شود به یک برنامه تلویزیونی به نام کنکاش اشاره می‌کنم. یکی دو هفته است که با معاون وزیر آموزش و پرورش ارتباط مستقیم دارند و از ما نیز دعوت کرده‌اند که روزهای سه شنبه به رادیو برویم. دو هفته است این برنامه به صورت زنده اجرا می‌شود. در این

برنامه از قول یکی از معلمها مصاحبه‌ای بخش شد که می‌گفت کیفیت کار معلمها ضعیف است و دلیل آن را مشکلات مالی مطلقاً می‌دانست؛ زیرا آنها در دفتر مدرسه به جای اینکه درباره مطالب علمی و کتاب و نظایر آن صحبت کنند، از مسافرانی که بین راه سوار کرده‌اند، از مسافر درستی سؤال کردن و... صحبت می‌کنند. این مطالب را به طور زنده از رادیو پخش کردند، یعنی دقیقاً می‌توان گفت که این مشکلات مطرح است. من هم به صراحت از معاون وزیر در این باره سؤال کردم. گفتیم با این سرعتی که علم و دانش پیشرفت می‌کند آیا آموزش و پرورش ما جوابگوی آن اهدافی است که برایش تعیین کرده‌اند؟ آیا می‌تواند جوانان و نوجوانان ما را به آن مرحله برساند؟ من فکر می‌کنم که آموزش و پرورش ما مظلوم واقع شده باشد. چون از نظر وقت فقط ۱۲ درصد وقت دانش‌آموزان در اختیار مدرسه است. بقیه‌اش در خیابان است. ج: بله من هم گفتم که ۲۰ درصد تشویق والدین است. آنهایی که از سنین پایین‌تر، یعنی قبل از دبستان کتابخوانی

را شروع می‌کنند صد درصد بر اثر تشویق والدین بوده است.
س: رقیب جدی کتابخوانی بچه‌ها، تلویزیون است؟ زیرا بخش اعظم وقت بچه‌ها که در حقیقت باید صرف عادت مطلوب کتابخوانی شود به تماشای کارتون و فیلمهای جذاب می‌گذرد که اصلاً کتاب نمی‌تواند رقیب برای آنها محسوب شود. هنگامی که بحث رقابت پیش می‌آید رادیو نیز نمی‌تواند با تلویزیون رقابت کند و کتاب باید چقدر جایزه داشته باشد تا بتواند بچه‌ها را جذب کند. در مجموعه رسمی آموزش و پرورش ما از چه راهکاری استفاده کنیم که از معلم انتظار داشته باشیم که مثال در دو ساعت و نیم وقت مفید صحیح تا ظهر بتواند آن راهکار را به کار ببرد. باید توجه داشته باشیم که آن راهکار هم اهمیت دارد.

س: یک تلقی اساسی در تحقیقاتی که انجام می‌شود به چشم می‌خورد، تحقیقات نشان می‌دهد آن ذهنیت اجتماعی لازم برای کسب علم و دانستن وجود ندارد. از یک سو این عامل است و از سوی دیگر هم نودهایی را مثل شوق به روزنامه خواندن در یک مقطع خاص مشاهده می‌کنیم. نمونه دیگر فشاری است که خانواده‌ها برای گذراندن کلاسهای امتد تخصصی به بچه‌ها می‌آورند. در حال حاضر بچه‌ها واقعاً از طرف خانواده‌ها برای یادگیری تحت فشار قرار دارند و انگیزه برای دانستن در بچه‌ها زیاد است. این در واقع تلقی اساسی بین تحقیقات است که منجر به چنین نتیجه‌گیری می‌شود. ما نمونه‌هایی را زیاد می‌بینیم؛ از جمله وقتی نظرسنجی می‌شود در سطح کتابخوانی این قدرت داریم. از آن طرف می‌بینیم که امروزه بچه‌ها چقدر نشانه دانستن هستند، چقدر در المپیادهای مختلف در سطح جهان موفقیت دارند و مطرح هستند. این پارادوکسی است که غالباً می‌بینیم و حس می‌کنیم. به هر حال پاسخ چه می‌تواند باشد؟ آیا یک نوع محرک‌گرایی یا یک نوع مد است؟

ج: به تکنهای که شما می‌فرمایید ما هم پرداخته‌ایم و درباره آن فکر کرده‌ایم. این در اصل یک دلخوشی کاتب برای جامعه ما و مسئولان است که فکر می‌کنند جوانان ما گرایش زیادی به کتابخوانی دارند. نتیجه آن فشاری را که خانواده برای موفق شدن در کنکور به بچه‌ها می‌آورند می‌توانید بلافاصله بعد از کنکور مشاهده کنید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال اول دانشگاه افت تحصیلی بسیار زیاد است و بچه‌هایی که شاگرد اول مدارس بودند پس از ورود به دانشگاه مشروط می‌شوند. این گرایش به کتابخوانی نیست. این گرایش به این است که به دانشگاه بروند-من در تحقیقی دیگر به این نتیجه رسیدم که بسیاری از تحصیلکرده‌های ما، مهندسان و پزشکان ما اصلاً مطالعه نمی‌کنند. مطالعه برای درس خواندن و برای گرفتن مدرک

قالبه ندارد. چنین امری، مطالعه هدفمندی نیست، مطالعه‌ای مطلوب است که مثلاً برای جامعه آکادمیک باشد یا برای نوشتن مقاله به دنبال نشناخته‌ها برود. تعدادی از جوانها که خود را برای شرکت در المپیادها آماده می‌کنند ممکن است چنین عمل کنند؛ ولی این افراد در اقلیت هستند. رشد جمعیت ما آن قدر بالاست که حتی این یک میلیون داوطلب کنکور را هم اگر جزء جامعه تحصیلکرده ما در نظر بگیریم، باز هم در مقابل آن توده عظیم جمعیت ما که اصلاً کتاب نمی‌خوانند، خیلی کم است. بقیه هم که بنا به ضرورت کتاب می‌خوانند، بعد است شما بتوانید هنگام اوقات فراغت در خانواده‌ها ببینید که کسی نشسته است و کتاب غیردرسی مطالعه می‌کند. اگر چنین باشد، فرد صرفاً از روی علاقه کتاب می‌خواند.

این دغدغهای است که برای جامعه ما وجود دارد-من حدود ۲۵ سال پیش که در انگلوس بودم مشاهده کردم که در تمام قطارهای زیرزمینی، در خیابان، مردم همه در حال مطالعه بودند. کتاب، مجله یا روزنامه می‌خوانند، اما در کشورمان با چنین مولدوی برخورد نمی‌کنیم.

س: درباره اینکه افراد در کجا مطالعه می‌کنند، فرمودید که ۵ درصد افراد در کتابخانه‌های عمومی مطالعه می‌کنند و بیشترین تعداد به افرادی مربوط می‌شد که در منزل مطالعه می‌کنند. برای من جالب بود که چرا به این آمار رسیدید؟ آیا این موضوع هم بررسی شده است یا نه؟

ج: به نظر شما کم است؟

س: بله، به نظر من کتابخانه‌های عمومی طبیعتاً امکانات بیشتری برای مطالعه فراهم می‌کنند. در کتابخانه، فرد با مجموعه کاملی از منابع رو به رو است و می‌تواند به کتابهای جدید دسترسی داشته باشد. ولی همه این امکانات را در منزل ندارد. ولی باز می‌بینیم طبق فرمایش شما بیشتر افراد تمایل دارند که در منزل مطالعه کنند.

ج: اولاً، کتابخانه کم داریم. ثانیاً کتابخانه‌های ما حتی در سطح دانشگاه بیشتر برای اماتت دادن کتاب است، من خودم در دانشکده رئیس کتابخانه هستم. بیشتر افراد کتاب را به اماتت می‌گیرند زیرا امکانات و فضای مناسب یعنی حتی یک سندی راحت ندارد که دانشجوی بنشینند. یا آن محیط آزمی که مطالعه کند نیست. کتاب را به اماتت می‌گرد. جایی که کتاب می‌گیرد و کتاب اماتت داده می‌شود، کتابخانه نیست. شوه استفاده از کتابخانه‌های ما چنین است.

س:نمکن یک توجیح کوباهی بدهم. ببینید عمدتاً کتابخانه برای تحقیق است نه مطالعه. دیدیم که آمارها نشان می‌دهد که بخش اعظم خوانندگان کتاب، رمان‌خوان هستند. رمان را می‌شود در بستر دراز کشید و خواند. شما وقتی رمان می‌خوانید نیاز ندارید که ببینید که این مستند است یا مستند

نیست؛ یا به دایرةالمعارف مراجعه کنیدو ببینید آیا این تاریخی که ذکر کرده درست است یا نه. اما برای انجام یک کار تحقیقی ناگزیرید که در کتابخانه باشید. به همان دلیل آن هدرصد هم که به کتابخانه می‌روند برای تحقیق و این است که پیرامون آن کتابی که دارند می‌خوانند، منابع دیگری در اختیار داشته باشند. بنابراین، با توجه به آمار، خیلی طبیعی و منطقی است که چرا رمان بیشتر خوانده می‌شود یا کتابهای تاریخی بیشتر طرفدار دارد. ضرورتی ندارد که در کتابخانه بخوانند. می‌تواند راحت در آرامش خودش با لباس خیلی راحت در خانه بنشیند و مطالعه بکند. کتابخانه‌ها هم معمولاً آن امکان لازم را ندارند. در کتابخانه رفت و آمدها بیشتر است یا خواننده احساسی امنیت و آرامش نمی‌کند و ترجیح می‌دهد در خانه باشد. نکته دیگری که به نظر من آمار را تأیید می‌کند، میزان خرید کتابها بود؛ یعنی ۴۳ درصد افرادی که کتاب می‌خوانند کتاب را می‌خرند. این نکته هم تأییدی است براینکه کتاب در خانه خوانده می‌شود.اماتت گرفته نمی‌شود. تعداد کمی از افراد کتاب اماتت می‌گرفتند. این موارد جای تأمل دارد که باید بررسی شود.

س: مدتی مسئولیت کتابخانه‌ای به عهده من بود و با افراد مختلفی در ارتباط بودم. نکته بسیار مهمی که در کتابخانه‌ها به آن توجه نمی‌کنیم این است که مخاطب خود را محدود می‌کنیم. یک دانشجو تا مادامی که در دانشگاه درس می‌خواند حق دارد از کتابخانه استفاده کند و وقتی فارغ‌التحصیل می‌شود دیگر کتابخانه به او کتاب اماتت نمی‌دهد. این دانشجو وقتی فارغ‌التحصیل می‌شود طبیعتاً تخصصی پیدا کرده است و دنبال کتاب تخصصی می‌رود. کتابخانه‌های عمومی در سطح شهر، کتابهایی قدیمی یا از نظر علمی بسیار سطح پایین دارند. کتابخانه‌های دانشگاه نیز مسافانه بعد از اینکه دانشجویان فارغ‌التحصیل می‌شوند هیچ خدمتی به آنها ارائه نمی‌دهند. باید سیاست اماتت دادن کتاب را در کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی تغییر بدهیم. من ۳ن سال گذشته در دانشگاه خودمان شیوه قبلی را تغییر دادم. من تقریباً ۵،۴ سال است که دیگر کتاب نمی‌خرم؛ ولی تعداد کتابی که خواندم شاید چند برابر قبل شده است. این را همیشه به دانشجویان می‌گویم. ما اگر اماتت گرفتن کتاب را با چندینبار دیگر نیاز نداریم که بگویم کتاب گران است. کتابخانه‌ها را باید تقویت کنیم و دانشجو کتاب بدهد و بگیرد.